

## بررسی جامعه‌شناختی رابطه بین مبلمان شهری و کیفیت زندگی

علی رحمانی فیروزجاه<sup>۱</sup>، سعیدیه سهرابی<sup>۲</sup>

### چکیده:

امروزه مقوله‌ی مبلمان شهری به شکل وسیعی با مفهوم امکانات زندگی، رفاه و روابط اجتماعی ارتباط پیدا می‌کند که می‌تواند بستر ساز تقویت کیفیت زندگی شهروندان گردد. بنابراین برای بررسی این رابطه، به تحلیل ثانویه‌ی داده‌های موجود در مورد زندگی مطلوب در شهر تهران پرداختیم که توسط جهاد دانشگاهی (مرکز افکار سنجی دانشجویان ایران - اسپا) و دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمان ایران با حجم نمونه‌ی ۲۰۶۷۰ نفر در مناطق مختلف شهر تهران انجام شده است. در این تحقیق ۵۹ درصد پاسخگویان دارای کیفیت زندگی متوسط بودند که آماره‌ی ضریب همبستگی پیرسون با میزان حدوداً ۰/۳. با سطح معناداری نشان داد که بین میزان دسترسی مبلمان شهری و ابعاد کیفیت زندگی یعنی سلامت جسمانی، سلامت روانی، ارتقای ارتباط اجتماعی و رضایت از محیط کالبدی شهر، رابطه‌ی مستقیم و معناداری وجود دارد و به طور کل نتیجه‌ی تحقیق پس از تجزیه و تحلیل یافته‌ها، حاکی از آن است که مبلمان شهری از بین مجموعه عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی، نقش مهمی را ایفا می‌نمایند. کلمات کلیدی: مبلمان شهری، کیفیت زندگی، سلامت جسمانی، سلامت روحی، رابطه‌ی اجتماعی.

۱- استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل  
a.rahmani@baboliau.ac.ir

۲- کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل  
sadieh\_sohrabi@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۴/۴/۲۱

تاریخ وصول: ۹۳/۱۲/۲۱

## مقدمه:

شهر امروز حاصل یک سیر تطور از دوران باستان، قرون وسطی، دوران نوزایی و انقلاب صنعتی است، به طوری که بسیاری از متفکران به بیان نظریات خود در باب شهر، پرداخته‌اند که از میان آن‌ها می‌توان به افلاطون، ارسطو، فارابی، بیکن، فوریه، تونیس، لینچ، لوفبور، لودرو، هاروی و... اشاره کرد. شهر مفهومی است که می‌توان از زوایای گوناگون همچون اقتصاد، فرهنگ، قدرت، زمان، خشونت، بیان، نشانه‌شناسی، فضا و... به آن نگریست. (فکوهی، ۱۳۸۳: ۲۳۱) و بسیاری عقیده دارند که شهر، فضایی است که از دو جنبه‌ی کالبدی و اجتماعی می‌تواند مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد و فضای شهری، چیزی نیست جز فضای زندگی روزمره‌ی شهروندان که هر روز به صورت آگاهانه یا ناآگاهانه در طول راه، از منزل تا محل کار ادراک می‌شود (پاکزاد، ۱۳۷۶: ۳۲). بی‌شک بخش عمده‌ای از عناصر تشکیل دهنده‌ی فضای هر شهر، مبلمان آن شهر است. مبلمان شهری به مجموعه‌ی وسیعی از وسایل، اشیاء، دستگاهها، نمادها، خرده بناها، گفته می‌شود که چون در شهر و خیابان و در کل در فضای باز نصب شده‌اند و استفاده‌ی عمومی دارند، به این اصطلاح معروف شده‌اند.

لینچ از نظریه‌پردازان حوزه‌ی شهری، سه حوزه را برای فضای شهری مشخص می‌کند: ۱) عوامل متحرک شهر ۲) عوامل ثابت شهر ۳) ناظر (آدمیان). از نظر او عوامل متحرک هر شهر، خاصه‌ی مردم و فعالیت‌های آنان همانقدر در ایجاد تصویر هر شهر در ذهن ناظر مؤثرند که عوامل ثابت شهر. مهمترین مفهوم در فضای شهری از نظر او، مفهوم خوانایی است، یعنی بتوان به آسانی اجزای شهری را شناخت و آنها را در ذهن در قالبی به هم پیوسته با یکدیگر ارتباط داد. در واقع لینچ شکل شهر را مانند متنی فرض می‌کند که بتوان آن را خواند یا خوانایی را به آن برگرداند. این "خوانایی" باید به شهرنشینان کمک کند تا خود را در فضا، باز یافته و در آن احساس ایمنی کرده و بتوانند کالبد خود را در آن هدایت کنند. (همان، ۲۰۴) از نظر لینچ فضای شهری باید تصویری را به ناظر ارائه کند، که ناظر در آن احساس امنیت و لذت نماید و باعث به وجود آمدن رابطه‌ی موزون بین خود شخص و جهان خارج شود. حتی اگر شهر دارای تصاویری

پیچیده باشد، باید لذت بخش باشد. (لینچ، ۱۳۷۴: ۶۰) و این زمانی اتفاق می افتد که شهروندان احساس کنند از کیفیت زندگی مطلوبی برخوردار هستند؛ کیفیت زندگی یعنی ارزیابی و ادراک افراد از وضعیت زندگی خویش، تحت تأثیر نظام فرهنگی و ارزشی موقعیتی که در آن زندگی می کنند (ماسام، ۲۰۰۸: ۵۸). و در واقع می توان گفت اهداف، انتظارات، معیارها و خواسته های فرد به میزان وسیعی بر وضعیت جسمانی، روانی، میزان استقلال، روابط اجتماعی و اعتقادات او تأثیرگذار است (غفاری، ۱۳۸۸: ۲۳). و به طور کل کیفیت زندگی مطلوب، همان رضایت شهروندان از سلامت جسمانی (فیزیکی)، سلامت روانی، رابطه ای اجتماعی و محیط است که مبلمان شهری<sup>۱</sup> با تنظیم جریان چهار اصل مهم زندگی در شهر یعنی حرکت، سکون، تفریح و اضطراب، می تواند ارتقا بخش کیفیت زندگی شهروندان گردد.

مشکل اساسی فضاهای شهری امروز این است که انسان ها در عرصه های وسیع و پیچیده به آسانی نمی توانند با محیط شهر روابط حسی مطلوب و دلپذیر برقرار نمایند و هنوز در بسیاری از فضاهای شهری به روابط و نیازهای انسانی توجه نشده است و برای حضور و استفاده ی مردم از فضاهای عمومی، امکانات مفید و با کیفیت، بسیار محدود و ناپذیر است؛ در حالی که در اکثر شهرهای بزرگ و پیشرفته ی جهان، کارشناسان بسیاری بر روی این موضوع کار کرده و به جزئیات سیما و نمای شهری اهمیت داده اند و گاهی همان قدر که طرح های جامع و تفصیلی شهری اهمیت دارند، برای مبلمان و سیمای شهر نیز بهای ویژه ای پرداخت می کنند. بنابراین قبل از هرگونه مداخله در سطوح کلان شهری، باید اهداف شکل گیری و جایگاه پروژه های شهری تعریف شود و شاخصه های بصری ادراک محیط و کیفیت فضایی مورد بازشناسی قرار گیرد؛ واقعیتی که تاکنون به درستی درک نشده است و به شناخت و بررسی نیاز دارد که آیا خوانش و درک ذهنی و بصری شهروندان از مبلمان شهری موجب ارتقای کیفیت زندگی آنها می شود؟

### مبانی نظری:

شهر و شهرنشینی واژه ای است که مفاهیم مختلفی را در ذهن تداعی می کند:

قانون‌مندی، نظم، سرعت، تمدن و.... به طور کل شهر موجودی زنده است که رفتار و کنش‌های شهروندان به آن معنا و جهت می‌دهد و از طرف دیگر، شهر مانند یک اثر هنری زیباست که شهروندان باید از تماشا و زندگی در آن لذت ببرند که در اینجا موضوع زیباسازی شهری، شامل گنجینه‌ای از آثار هنری و فرهنگی مطرح می‌گردد که می‌تواند به اصلاح رفتار شهروندی، آرامش و زیبایی چهره‌ی شهر و ساکنان آن منجر گردد (پارسی، ۱۳۸۱: ۱۸). اما نکته‌ی دارای اهمیت اینجاست که شهر، تنها شامل بناها نیست، بلکه موجودیت شهر را فضای بین ساختمانها، کوچه، میدان، فضای سبز، عناصر پرکننده، کاربریها و حضور و همراهی مردم شکل می‌دهد و بدین ترتیب فضای شهر، محیط زندگی شهروند را تشکیل می‌دهد، بنابراین تفکر زیبایی‌شناختی و ارتقای کیفیت زندگی باید برای تمام کسانی که در فرآیند توسعه و نوسازی شهر درگیر می‌شوند، به عنوان یک هدف مطرح باشد (توسلی، ۱۳۷۶: ۲۵). محصول این نوع طراحی باید فضا و ساخته‌هایی باشد که برای خود و محیط اطراف و محیط عمومی (فضای میان ساختمان‌ها) جذاب و خوشایند بوده و همچنین مدیریت و نگهداری آنها آسان باشد. بی‌شک بخش عمده‌ای از عناصر تشکیل دهنده‌ی سیمای هر شهر، مبلمان آن شهر است. مبلمان شهری به مجموعه‌ی وسیعی از وسایل، اشیاء، دستگاہها، نمادها، خرده بناها، فضاها و عناصری گفته می‌شود که چون در شهر و خیابان و در کل در فضای باز نصب شده‌اند و استفاده‌ی عمومی دارند، به این اصطلاح معروف شده‌اند. مبلمان شهری، چهار جریان مهم زندگی را در شهر تنظیم می‌کند:

۱. حرکت (جابجایی / رفت و آمد / گردش)
۲. سکون (توقف / مکث / استراحت / آرامش)
۳. تفریح (بازی / سرگرمی / شوخی / هیجان)
۴. اضطراب (عجله / سردرگمی / تنش)

و انواع آن عبارتند از: ۱- مبلمان خیابانی ۲- مبلمان پارکی ۳- مبلمان ترافیکی ۴- سازه‌های اطلاع‌رسانی و تبلیغاتی. (مدنی پور، ۱۳۷۹: ۳۶) و شاخص‌های آن عبارتند از:

## ۱- نشیمن شهری / نیمکت / سکوی نشستن<sup>۱</sup>

طراحی نیمکت و نشیمن مناسب به مردم این امکان را می‌دهد که در فرصتهای لازم از نشستن و دیدن فضای شهری لذت برده و ارتباط اجتماعی و کلامی با یکدیگر برقرار نمایند (تعامل انسانی). نصب سطوح نشیمن زیبا و مناسب، نشان‌دهنده‌ی احترام مدیریت شهر به مردم است.

## ۲- نرده و جداکننده‌های شهری<sup>۲</sup>

برای تقسیم و تعریف فضا، نظم، ایمنی و هویت بخشی از نرده‌ها و جداکننده‌های شهری استفاده می‌کنند و برای جداسازی و تعیین حریم، توجه ویژه‌ای به طراحی این وسایل می‌شود.

## ۳- ساعت شهری<sup>۳</sup>

در سطح شهر برای اهمیت دادن به زمان، افزایش دقت و برنامه‌ریزی و زیبایی محیط از ساعت شهری استفاده می‌کنند.

۴- سطل زباله<sup>۴</sup>: در سطح شهر برای نظافت و بهداشت عمومی، احترام به شهروند، نظم و آراستگی از سطح زباله استفاده می‌کنند و بسیاری از شهرهای جهان به وسیله‌ی فرهنگ‌سازی به دنبال کاهش مخزن زباله و آموزش تفکیک زباله از مبدأ هستند بنابراین تعداد مخازن کمتر شده و شیوه‌ی طراحی بر اساس نصب در فواصل بیشتر و هماهنگ با طراحی شهری انجام می‌گیرد.

۵- سرویس بهداشتی (توالت شهری)<sup>۵</sup>: برای نظافت و بهداشت شخصی و عمومی از سرویس بهداشتی‌های سازه موقت و قابل حمل در سطح شهر استفاده می‌کنند.

۶- ایستگاه تاکسی<sup>۶</sup>: ایستگاه تاکسی مکانی است برای توقف تاکسی و مسافر، سرپناه، نشانه و ایجاد نظم و زیبایی.

---

1- Seating / Bench

2- Fencing / Railing / Barrier

3- City Clock

4- Litter Bin / Waste Bin

5- City Toilet / Public Toilet / Portable WC

6- Taxi Stand

۷- پل عابر پیاده<sup>۱</sup>: پل عابر پیاده برای ترافیک روان پیاده و سواره، ایمنی و آسایش پیاده در سطح شهر طراحی می‌گردد (حبیبی، ۱۳۸۲: ۵۲).

برای به کارگیری گونه‌های مناسب انواع مبلمان شهری شامل نیمکت‌ها، علائم هدایتی، کیوسک‌ها، جدول‌ها، نرده‌ها و... باید عوامل مختلفی را در نظر گرفت که عبارتند از: شرایط اقلیمی، فرهنگی، مذهبی، اجتماعی و روان‌شناختی. یعنی باید عناصر مختلف مبلمان شهری با شرایط اقلیمی محل سازگار باشند و از رنگ‌های شاد که زیبایی بصری و آرامش روان را ایجاد می‌کند، استفاده کرد و در طراحی آن به معیارهای فرهنگی، ملی، قومی و مذهبی توجه نمود زیرا اجزای مبلمان شهری گذشته از کاربردهای خاص خود به زیبایی و انتظام شهر نیز سامان می‌بخشند و هنر طراح آن است که در کنار چیدمان این ابزار و اجزا، نیاز شهروندان را برطرف کرده و سیمای زیبا به شهر بدهد، به طوری که شهروند احساس آرامش و راحتی را در برخورد با آنها داشته باشد. به طور کل اجزای مبلمان شهری، دو ویژگی اساسی دارند: کارکردی بودن و زیبایی، که در صورت داشتن هر دو ویژگی، می‌توانند نیاز عملکردی و بصری شهروندان را همزمان برآورده سازند. البته این امر، مستلزم در نظر گرفتن مقوله‌های متعددی در طراحی اجزای مبلمان شهری است که نه تنها رنگ، هماهنگی با محیط پیرامون، دوام، ایمنی، و اقتصادی بودن آنها مورد نظر است، بلکه باید از نظر عملکردی، جانمایی مناسبی در سطح شهر داشته باشند تا بتوانند، پاسخگوی نیاز شهروندان باشند.

همانطور که گفتیم از خصوصیات و کارکردهای مهم مبلمان شهری ارتقای کیفیت زندگی شهروندان است و اما کیفیت زندگی چیست؟ با وجود اختلاف‌هایی که در تعریف کیفیت زندگی وجود دارد، اما اجماع کلی نیز در میان صاحب‌نظران به چشم می‌خورد که بر مبنای آن بیشتر آنها کیفیت زندگی را مشتمل بر ابعاد مثبت و مفهومی چند بعدی می‌دانند و تمامی مطالعات کیفیت زندگی تحت دو دسته‌بندی قرار می‌گیرد: اول اینکه تمام مطالعات کیفیت زندگی تحت دو سرفصل - شاخص‌های عینی و شاخص‌های ذهنی صورت می‌گیرد (فیلیپ، ۲۰۰۶: ۸۵). و دسته بندی دوم بر اساس چند

بعدی بودن این مفهوم صورت می‌پذیرد که عبارتند از:

۱- فیزیکی<sup>۱</sup>: در بعد فیزیکی پرسش‌های مربوط به ابعاد جسمانی انسان، شامل قدرت، انرژی، توانایی انجام فعالیت‌های روزمره، خودمراقبتی و همچنین علائم بیماری مانند درد مورد تفسیر و سنجش قرار می‌گیرند.

۲- روانشناختی<sup>۲</sup>: در بعد روانشناختی بیشتر نشانه‌های روانی شامل اضطراب، افسردگی، ترس و میزان محرومیت نسبی سنجیده می‌شود.

۳- اجتماعی<sup>۳</sup>: در بعد اجتماعی احساس بهتر بودن و کیفیت ارتباطات افراد با خانواده، دوستان، همکاران و اجتماع تبیین می‌شود.

۴- محیطی<sup>۴</sup>: در بعد محیطی کیفیت محیط پیرامون زندگی بشر مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

۵- اقتصادی<sup>۵</sup>: مؤلفه‌هایی چون میزان رضایت از درآمد، نوع شغل و یا رضایت شغلی ارزیابی می‌شوند (مگون، ۱۹۹۰: ۳۱).

تعریف سازمان جهانی بهداشت از کیفیت زندگی چنین است: ارزیابی و ادراک افراد از وضعیت زندگی خویش، تحت تأثیر نظام فرهنگی و ارزشی موقعیتی که در آن زندگی می‌کنند (ماسام، ۲۰۰۲: ۵۸) و در واقع اهداف، انتظارات، معیارها و خواسته‌های فرد به میزان وسیعی بر وضعیت جسمانی، روانی، میزان استقلال، روابط اجتماعی و اعتقادات او تأثیرگذار است (غفاری، ۱۳۸۸: ۲۳) و به طور کل به ابعاد و شاخص‌های زیر تقسیم می‌گردد.

۱- سلامت جسمانی (فیزیکی): درد جسمانی، انرژی، خواب، تحرک، فعالیت روزمره، خودمراقبتی.

۲- سلامت روانی: احساس مطلوب به زندگی، تمرکز از ضایع از خود، وجود عواملی مانند ترس اضطراب

- 
- 1- Physical
  - 2- psychological
  - 3- social
  - 4- Enviroment
  - 5- Economic

۳- رابطه‌ی اجتماعی: احساس امنیت فردی و اجتماعی، احساس تعلق، اعتماد به آشنایان، اعتماد به بیگانگان، امید به آینده، رضایت از روابط زناشویی، مشارکت اجتماعی

۴- محیط: که به دو شاخص اقتصادی و کالبدی تقسیم می‌شود:

- اقتصادی: فرصت‌های شغلی، وضعیت اقتصادی، هزینه‌ی زندگی، امکانات آموزشی، امکانات بهداشتی، امکانات تفریحی.

- کالبدی: وضعیت محله، وضعیت مسکن، فضای سبز و پارک‌ها، جمع‌آوری و دفع زباله، حمل و نقل عمومی، کیفیت و کمیت آب، خیابان‌ها و کوچه‌ها

در ادامه پس از بررسی مفاهیم مبلمان شهری و کیفیت زندگی حال باید به این مسأله پردازیم که وجود مبلمان شهری و رضایت شهروندان از آن چه تأثیری می‌تواند در ارتقای کیفیت زندگی آنها داشته باشد؟

اکثریت تئوری‌پردازان حوزه‌ی جامعه‌شناسی شهری معتقدند، فضای شهری محل ارتباطات اجتماعی و تعاملات چهره به چهره است که در زندگی و روحیه‌ی شهروندان تأثیر بسزایی دارد و در همین راستا باید برای تعالی و ارتقای کیفی روابط اجتماعی شهر و انسجام اجتماعی در جهت سامان‌دهی به فضاهای شهری کوشید. رعایت تناسبات، نظم، مقیاس، خوانایی، قابل تصور بودن، تنوع، هماهنگی، پیوند با گذشته، کارایی و خصوصاً محصور کردن فضا که از مهم‌ترین ویژگی‌های کالبدی فضای شهری است و امروزه به عنوان مبلمان شهری مطرح است، در طراحی فضاهای شهری از اهمیت خاصی برخوردار است.

رآپاپورت<sup>۱</sup> فضای شهری را به عنوان یک محیطی اجتماعی در نظر می‌گیرد که شامل قلمروهای مختلف است. از نظر وی ایجاد فضاهای نامناسب شهری، اثرات مخربی بر فرهنگ‌ها و زندگی مردم دارد و شهر زمانی منزلت دارد که به شهروندان احساس زیبایی و آرامش ببخشد و بدین طریق می‌تواند منزلت خود را حفظ کند. وی منزلت شهر را به وجود مجموعه‌ای عمومی از آن وابسته می‌داند که حتی شهر بر اساس آن استفاده می‌شود و با از بین رفتن آنها منزلت و ارزش شهر نیز از دست می‌رود و بهترین راه



تجربی ساختن فرهنگ، شناخت نظام فعالیت‌ها و سبک زندگی مردم است (حمیدی، ۱۳۷۶: ۵۸) آن چنان که "کامیلوسیتته"<sup>۱</sup> معتقد است، شیوه‌ی کیفیت زندگی مردم در فضاهای شهری محو شده، بنابراین باید محیطی ایجاد کرد که از نظر جسمی و روانی برای نیازهای شهروندان کارایی داشته باشد. به این ترتیب "سیتته" هنر شکل‌سازی را به هنر فضا تبدیل می‌کند و معتقد است شهر باید حداقل چند میدان و خیابان اصلی داشته باشد، که برای ساکنان آن لذت‌بخش و افتخارآفرین باشد، روح شهریت را زنده کند و احساسات پاک و بزرگ را در آنها پرورش دهد. وی ایجاد فضاهایی را که با ترکیب ساختمان‌های عمودی و یادمان‌ها، یک کل هماهنگ و پیوسته را به وجود می‌آورد و برای خوشایند شهروندان ضروری می‌داند و این از طریق محصور بودن در فضا اتفاق می‌افتد. وی معتقد است، محصور بودن فضا، حس استمرار فضایی از طریق پیوستگی میان ساختمان‌هاست؛ به طوری که فرد از یک نقطه‌ی معین در فضای شهری کمترین و یا هیچ شکافی را در دیواره‌ی فضای پیرامون خود نبیند. این گسستگی یا شکاف می‌تواند خیابان باشد که در این مورد "سیتته" استفاده از طاق‌نما، ستون‌بندی، ایجاد دروازه در مدخل میدان و استقرار ورودی‌ها در یک زاویه‌ی غیر مستقیم در دید بیننده را پیشنهاد می‌کند (شوای، ۱۳۷۵: ۱۹).

حتی مانوئل کاستلز<sup>۲</sup> معتقد است، فضا بازتاب جامعه نیست بلکه خود جامعه است. فضا بعد مادی جامعه است و اگر آن را مستقل از انسان‌ها و روابط اجتماعی در نظر بگیریم، مانند آن است که ماهیت و روان را از جسم آن جدا ساخته‌ایم (مولوی، ۱۳۸۴: ۱۲). "لینچ"<sup>۳</sup> که از شهرسازان معاصر است، بر روی مفاهیم ادراکی فضا و تصورات ذهنی استفاده‌کنندگان از این فضا کار کرده است. هدف لینچ خوانایی و نمایانی، شهر و فضاهای شهری است. او برای درک خوانایی شهر به مردم رجوع می‌کند و در پی آن است که از تصورات ذهنی و پس زمینه‌های فکری آنها به این مهم قائل شود که چگونه شهری خوانا می‌شود. "لینچ" عقیده دارد که درک مردم از شهر صحنه‌هایی مقطعی و

---

1- Camillo Sitte

2- Manuel Castells

3- Lynch

بریده بریده است و این تصویری خوانا در ذهن به جا نمی‌گذارد بلکه فضاهای شهری باید تسلسل و پیوستگی داشته باشد تا بتواند صحنه‌هایی پیوسته زنده و روشن در ذهن بگذارد؛ یک تصویر عمیق که حاکی از نقش اجتماعی مردم است. تصویری که احساس امنیت به فرد می‌دهد و عمق و شدت تجارب انسانی را افزون می‌کند. در واقع درک تصویر، حاصل ارتباط دوجانبه بین ناظر و محیط است. ناظر عوامل بصری که برای او مهم‌تر است را به ذهن می‌سپارد، بر آن حدی می‌نهد و آن را مطابق میل خود تغییر می‌دهد؛ به همین دلیل است که درک یک فضا از سوی افراد مختلف، متفاوت است. اما "لینچ" در پی درک تصور ذهنی مشترک از محیط است؛ تصویری که برای همه توانا و قابل درک باشد. در واقع لینچ در پی یافتن نظم است، اما نه نظم نهایی، بلکه نظمی گشوده که مدام رشد و توسعه می‌یابد. از آنجا که لینچ در پی آشکار داشتن تأثیر و اهمیت فرم شهر است، سیمای شهر را بر مبنای عوامل جسمی شهر بر پنج عامل استوار می‌داند: ۱- راه ۲- لبه ۳- محدوده ۴- گره ۵- نشانه

راه: عاملی است که معمولاً با استفاده از آن حرکت بالفعل و بالقوه میسر می‌شود.

لبه: عامل خطی است که به دید ناظر با راه تفاوت دارد.

محدوده: قسمت‌هایی از شهر که میان اندازه و بزرگند.

گره: نقاطی حساس در شهر که ناظر می‌تواند به درون آنها وارد شود.

نشانه: عواملی در تشخیص قسمت‌های مختلف شهر با این تفاوت که ناظر به درون آنها راه نمی‌یابد.

به طور کل، توانایی و نمایانی فضاهای شهری هدف اصلی لینچ است؛ او به جهت‌یابی افراد برای درک فضاها و جلوگیری از احساس گم‌گشتگی و عدم امنیت و لذت آنها اهمیت فراوانی می‌دهد و در این میان نشانه‌ها هستند که مهم‌ترین کمک را در جهت‌دهی به افراد می‌کنند. در واقع به گفته‌ی خود لینچ هم هیچ یک از پنج عاملی که ذکر کردیم به تنهایی وجود ندارد؛ محله‌ها با گره‌ها پیوند می‌خورند و لبه‌ها حد آن را مشخص می‌کند و با راه می‌توان به درون آنها ره یافت و نشانه‌ها سیمای آنان را متمایز می‌کند. هر عامل معمولاً عوامل دیگر را در بر می‌گیرد و در دیگر عوامل نفوذ می‌یابد. البته باید توجه

داشت که این پنج عامل جسمی مفاهیم انتزاعی به دست می‌دهند و در ذهن افراد گوناگون بسیار متغیرند. به طور خلاصه و کلی می‌توان گفت پنج عامل لینچ زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کنند که به سمت نشانه شدن پیش بروند زیرا نشانه بیشتر از هر چیز دیگر در ذهن می‌ماند و ناظر برای آشنایی با مسیر و جهت‌یابی خود ملزم به، به ذهن سپردن آنها است. در واقع لینچ شهر را به صورت یک پرتره می‌بیند و این پرتره زمانی خوانایی و نمایانی خود را می‌یابد که مظاهر آن روشنی و پیوستگی داشته باشند و به دید آیند و در ذهن سپرده شوند (لینچ، ۱۳۷۴: ۱۲۵-۱۲۱). به طوری که، ادموند بیکن<sup>۱</sup> نیز مطرح می‌کند که مهم نیست مجموعه اطلاعاتی که از فضا وجود دارد چیست؛ مهم این است که گیرنده چه تفسیری از آن اطلاعات دارد. او عقیده دارد، نباید آنقدر سعی و تلاش کرد تا ایده‌ای از ذهن (به تعبیری به زور ایده از ذهن بگیریم) بیرون کشیده شود، بلکه زمانی ایده و طرح خوب است که حاصل تراوشات ناخودآگاه و احساس درونی طراح باشد. در این صورت است که ایده دارای ارزش می‌شود و فضای شهری به وجود آمده برای مردم مطلوب می‌گردد. او طراحی را بر تمام قسمت‌های شهر یکسان نمی‌داند، بلکه طراحی در آن قسمت‌هایی از شهر مهم‌تر است که مخاطبان فضا (مشارکت‌کنندگان در فضا) بیشتر باشند و فعالیت‌هایی که در آن صورت می‌گیرد مهم‌تر باشد؛ در واقع او ساختارهای اصلی شهر را طراحی می‌کند و بقیه‌ی قسمت‌های شهر را بر عهده‌ی مردم و تصمیمات آنها می‌گذارد. او با توجه به مطالعات زیست‌شناسی DNA و وظیفه‌اش آن را به شهر و نهادهای انسانی بسط می‌دهد و چنین نتیجه‌گیری می‌کند که شهر موجودی پویاست. بیکن در مطالعاتش از راهها و معابر (نظام‌های حرکتی)، فضاهای شهری یا ساختمان‌ها و مراکز تجاری سخن به میان می‌آورد و می‌توان چنین نتیجه گرفت که او اهمیت بیشتری به این موارد می‌دهد (کالن، ۱۳۷۷: ۴۲).

او لازمه‌ی توانایی طرح را علاوه بر پویایی شهر، طراحی صحیح آن می‌داند؛ طراحی‌ای که قابل انعطاف باشد و خود را با تغییرات محیط وفق دهد، طرحی که جهت‌گیری‌های آینده را شکل دهد، نه اینکه پیش‌بینی کند و بگوید آینده باید چگونه باشد. طراح باید از

دید عابران پیاده و مقیاس عابر در خلق فضاها و طراحی‌هایش بهره بگیرد. استفاده از علوم اجتماعی و رفتارشناسی در حوزه‌ی طراحی برای درک رفتارهای مردم و خواسته‌هایشان، مشارکت مردم در طرح‌ها و اعمال نظرات آنان در طرح طی یک فرآیند رفت و برگشتی بین مردم و جامعه و نیز درک تصور ذهنی مردم که بیکن آن را مطرح می‌دارد (گروتر، ۱۳۷۵: ۲۵) از جمله مهمترین عوامل در ایجاد خوانایی و تصویری روشن از شهر و فضای شهری است و هرچه این خوانش در نگاه مردم روشن‌تر باشد در کیفیت زندگی آنها نیز تاثیر دارد.

### فرصه‌های تحقیق:

- ۱- میزان دسترسی به مبلمان شهری موجب سلامت جسمانی شهروندان می‌گردد.
- ۲- میزان دسترسی به مبلمان شهری موجب سلامت روانی شهروندان می‌گردد.
- ۳- میزان دسترسی به مبلمان شهری موجب ارتقای رابطه‌ی اجتماعی شهروندان می‌گردد.
- ۴- میزان دسترسی به مبلمان شهری موجب رضایت شهروندان از محیط کالبدی شهر می‌گردد.

### روش تحقیق:

روش استفاده شده در این مقاله، تحلیل ثانویه‌ی داده‌های موجود در مورد زندگی در شهر تهران است که توسط جهاد دانشگاهی (مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران - ایسپا) و دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمان ایران با حجم نمونه‌ی ۲۰۶۷۰ نفر در مناطق مختلف شهر تهران انجام شده است. این پژوهش به صورت پیمایشی و با ابزار پرسشنامه‌ی صورت پذیرفته واحد تحلیل در این تحقیق فرد است.

مؤلفه‌ها و شاخص‌های کیفیت زندگی، مبلمان شهری و روایی :

برای دستیابی به مؤلفه‌ها و شاخص‌های سنجش کیفیت زندگی، به بررسی تحقیقات پیشین و سنجه‌های موجود پرداختیم و سرانجام بر اساس پرسشنامه کیفیت زندگی سازمان بهداشت جهانی (WHOQOL\_ BREF)<sup>۱</sup> ابعاد سلامت جسمانی، سلامت روانی، روابط اجتماعی و سلامت محیط را در نظر گرفتیم و برای سنجش ابعاد کیفیت

---

1- Who Quality of life \_ BREF

زندگی از دو نوع شاخص استفاده نمودیم: نوع اول شاخص‌های عینی که جنبه‌های ملموس ابعاد را اندازه‌گیری نمودیم و نوع دوم شاخص ذهنی که میزان رضایت و احساس افراد را نسبت به ابعاد کیفیت زندگی سنجیدیم و برای سنجش متغیر مبلمان شهری، از وجود چهار نوع مبلمان (خیابانی، پارکی، ترافیکی، سازه‌های اطلاع‌رسانی و تبلیغات) و میزان رضایت شهروندان سؤال طراحی کردیم. در این پژوهش از ضریب آلفای کرونباخ برای تعیین روایی شاخص‌ها استفاده شد که نتیجه نشان می‌دهد ضریب روایی بالای  $0.77$  است و سؤالات از قابلیت اعتماد بالایی برخوردارند.

#### یافته‌های توصیفی تحقیق:

در این تحقیق  $39/1$  درصد پاسخگویان مرد و  $60/9$  درصد پاسخگویان زن بودند. و همچنین میزان تحصیلات پاسخگویان  $37/5$  درصد دیپلم،  $7/3$  درصد فوق دیپلم،  $14/28$  درصد دارای مدرک کارشناسی و تنها  $3/1$  درصد دارای تحصیلات کارشناسی ارشد و بالاتر هستند. از میان پاسخگویان  $66/1$  درصد متأهل و  $25/5$  درصد هرگز ازدواج نکرده‌اند و  $8/5$  درصد نیز مطلقه و یا همسر آنها فوت شده‌اند.

جدول ۱: وضعیت کیفیت زندگی پاسخگویان

فراوانی نسبی (درصد)				مؤلفه‌ها	ابعاد
خیلی زیاد	زیاد	کمی	خییر		
۱۵	۳۵	۲۶	۲۴	درد جسمانی	سلامت جسمانی (فیزیکی)
۱۰	۱۹	۳۸	۳۳	انرژی	
۱۴	۳۵	۴۶	۵	خواب	
۷	۱۷	۴۸	۲۸	تحرک	
۲۱	۴۵	۳۱	۳	فعالیت روزمره	
۳	۱۱	۴۲	۱۴	خودمراقبتی	
۱۳	۱۲	۵۲	۱۳	احساس مطلوب به زندگی	سلامت روانی
۱۴	۱۴	۴۳	۲۹	تمرکز	

فراوانی نسبی (درصد)				مؤلفه‌ها	ابعاد	
خیلی زیاد	زیاد	کمی	خیر			
۲۴	۵۲	۱۶	۸	رضایت از خود	رابطه‌ی اجتماعی	
۲۳	۴۳	۱۶	۱۸	وجود عواملی مانند ترس اضطراب		
۸	۱۹	۴۷	۲۶	احساس امنیت فردی و اجتماعی		
۹	۴۶	۳۱	۱۴	احساس تعلق		
۱۷	۳۹	۳۲	۱۲	اعتماد به آشنایان		
۲	۸	۵۹	۳۱	اعتماد به بیگانگان		
۴	۱۸	۶۱	۱۷	امید به آینده		
۱۸	۳۰	۴۲	۱۰	رضایت از روابط زناشویی		
۱۲	۴۱	۳۱	۱۶	مشارکت اجتماعی		
۸	۱۲	۴۱	۳۹	فرصت‌های شغلی	اقتصادی	
۱۸	۱۱	۶۲	۹	وضعیت اقتصادی		
۲۱	۳۹	۲۱	۱۹	هزینه‌ی زندگی		
۲۲	۳۷	۳۱	۱۰	امکانات آموزشی		
۲۲	۱۲	۴۳	۱۷	امکانات بهداشتی		
۲۱	۱۹	۳۶	۲۴	امکانات تفریحی		
۹	۷	۵۸	۲۶	وضعیت محله	کالبدی	محیط
۱۰	۲۶	۴۶	۱۸	وضعیت مسکن		
۱۱	۷	۳۷	۴۵	فضای سبز و پارک‌ها		
۶	۳۱	۵۱	۱۲	جمع‌آوری و دفع زباله		
۲۵	۴۱	۲۳	۱۱	حمل و نقل عمومی		
۲۰	۳۲	۳۹	۹	کیفیت و کمیت آب		
۵	۲۳	۵۶	۱۶	خیابان‌ها و کوچه‌ها		

همانطور که توضیح دادیم کیفیت زندگی در پنج بعد مورد سنجش قرار گرفت که نتایج در جدول شماره‌ی ۱ ذکر شده است و در ادامه گویه‌های کیفیت زندگی را با هم جمع و سپس ستون به دست آمده دوباره کدگذاری شد و با توجه به ضرایب حاصل

شده سه نوع کیفیت زندگی را مشخص نمودیم که عبارتند از: کیفیت زندگی مطلوب، کیفیت زندگی متوسط، کیفیت زندگی پایین و توزیع نسبی آن به شرح زیر است.

جدول ۲: توزیع نسبی انواع کیفیت زندگی

میزان (درصد)	انواع کیفیت زندگی
۱۱	کیفیت زندگی مطلوب
۵۹	کیفیت زندگی متوسط
۳۰	کیفیت زندگی پایین

بر اساس جدول شماره ۲، ۱۱ درصد افراد جامعه‌ی آماری دارای کیفیت زندگی مطلوب، ۵۹ درصد دارای کیفیت زندگی متوسط و ۳۰ درصد دارای کیفیت زندگی پایین بودند.

#### بررسی فرضیه‌ها:

۱- میزان دسترسی به مبلمان شهری موجب سلامت جسمانی شهروندان می‌گردد. برای بررسی رابطه‌ی بالا از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد که نتیجه به شرح زیر است.

جدول ۳: نتیجه‌ی ضریب همبستگی پیرسون

متغیر مستقل X	متغیر وابسته Y	جهت رابطه	میزان همبستگی	سطح معناداری
خیابانی	سلامت جسمانی	مستقیم	.۳۱	.۰۱
پارکی	سلامت جسمانی	مستقیم	.۳۶	.۰۱۸
ترافیکی	سلامت جسمانی	مستقیم	.۳۸	.۰۲۱
اطلاع‌رسانی و سازه	سلامت جسمانی	مستقیم	.۲۹	.۰۳
میزان دسترسی کل	سلامت جسمانی	مستقیم	.۳۵	.۰۲

همانطور که در جدول بالا مشاهده می‌شود، متغیر مستقل میزان دسترسی به مبلمان شهری در چهار سطح خیابانی، پارکی، ترافیکی و اطلاع‌رسانی و سازه با متغیر سلامت جسمانی به عنوان بعدی از کیفیت زندگی، رابطه‌ی مستقیمی دارد و از لحاظ آماری نیز

در تمام سطوح معنادار است و فرض یک بین آنها پذیرفته می‌شود یعنی دسترسی به مبلمان شهری توسط شهروندان موجب ارتقای سلامت جسمانی آنها می‌گردد.

۲- میزان دسترسی به مبلمان شهری موجب سلامت روانی شهروندان می‌گردد. برای بررسی رابطه‌ی بالا از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد که نتیجه به شرح زیر است.

جدول ۴: نتیجه‌ی ضریب همبستگی پیرسون

متغیر مستقل X	متغیر وابسته Y	جهت رابطه	میزان همبستگی	سطح معناداری
خیابانی	سلامت روانی	مستقیم	.۳۸	.۰۴
پارکی	سلامت روانی	مستقیم	.۴۱	.۰۳
ترافیکی	سلامت روانی	مستقیم	.۳۹	.۰۲
اطلاع‌رسانی و سازه	سلامت روانی	مستقیم	.۲۸	.۰۴۱
میزان دسترسی کل	سلامت روانی	مستقیم	.۳۴	.۰۴۲

همانطور که در جدول بالا مشاهده می‌شود، متغیر مستقل میزان دسترسی به مبلمان شهری در چهار سطح خیابانی، پارکی، ترافیکی و اطلاع‌رسانی و سازه با متغیر سلامت روانی به عنوان بعدی از کیفیت زندگی، رابطه‌ی مستقیمی دارد و از لحاظ آماری نیز در تمام سطوح معنادار است و فرض یک بین آنها پذیرفته می‌شود یعنی دسترسی به مبلمان شهری توسط شهروندان موجب ارتقای سلامت روانی آنها می‌گردد.

۳- میزان دسترسی به مبلمان شهری موجب ارتقای رابطه‌ی اجتماعی شهروندان می‌گردد.

جدول ۵: نتیجه‌ی ضریب همبستگی پیرسون

متغیر مستقل X	متغیر وابسته Y	جهت رابطه	میزان همبستگی	سطح معناداری
خیابانی	میزان رابطه‌ی اجتماعی	مستقیم	.۲۸	.۰۴۱
پارکی	میزان رابطه‌ی اجتماعی	مستقیم	.۲۹	.۰۴۴
ترافیکی	میزان رابطه‌ی اجتماعی	مستقیم	.۲۳	.۰۵
اطلاع‌رسانی و سازه	میزان رابطه‌ی اجتماعی	مستقیم	.۲۴	.۰۲۳
میزان دسترسی کل	میزان رابطه‌ی اجتماعی	مستقیم	.۲۶	.۰۴۱



همانطور که در جدول بالا مشاهده می‌شود، متغیر مستقل میزان دسترسی به مبلمان شهری در چهار سطح خیابانی، پارکی، ترافیکی و اطلاع‌رسانی و سازه با متغیر میزان رابطه‌ی اجتماعی به عنوان بعدی از کیفیت زندگی، رابطه‌ی مستقیمی دارد و از لحاظ آماری نیز در تمام سطوح معنادار است و فرض یک بین آنها پذیرفته می‌شود یعنی دسترسی به مبلمان شهری توسط شهروندان موجب ارتقای روابط اجتماعی آنها می‌گردد.

۴- میزان دسترسی به مبلمان شهری موجب رضایت شهروندان از محیط کالبدی شهر می‌گردد.

جدول ۶: نتیجه‌ی ضریب همبستگی پیرسون

متغیر مستقل X	متغیر وابسته‌ی Y	جهت رابطه	میزان همبستگی	سطح معناداری
خیابانی	رضایت از محیط کالبدی	مستقیم	۰/۲۸	۰/۰۴
پارکی	رضایت از محیط کالبدی	مستقیم	۰/۲۶	۰/۰۴۲
ترافیکی	رضایت از محیط کالبدی	مستقیم	۰/۲۹	۰/۰۵
اطلاع‌رسانی و سازه	رضایت از محیط کالبدی	مستقیم	۰/۲۷	۰/۰۳۱
میزان دسترسی کل	رضایت از محیط کالبدی	مستقیم	۰/۲۸	۰/۰۲۱

همانطور که در جدول بالا مشاهده می‌شود، متغیر مستقل میزان دسترسی به مبلمان شهری در چهار سطح خیابانی، پارکی ترافیکی و اطلاع‌رسانی و سازه با متغیر رضایت از محیط کالبدی شهر به عنوان بعدی از کیفیت زندگی، رابطه‌ی مستقیمی دارد و از لحاظ آماری نیز در تمام سطوح معنادار است و فرض یک بین آنها پذیرفته می‌شود یعنی دسترسی به مبلمان شهری توسط شهروندان موجب رضایت آنها از محیط کالبدی شهر می‌گردد.

#### نتیجه‌گیری:

کیفیت زندگی ارزیابی و ادراک شهروندان از وضعیت زندگی خویش تحت تأثیر

نظام فرهنگی و ارزشی جامعه است. این ادراک باید با منابع، امکانات و اهداف به دست آمده‌ی افراد در زندگی تطابق داشته باشد که اگر این تطابق ایجاد گردد فرد از دغدغه‌های اولیه‌ی زندگی همانند اندیشیدن به خوراک، مسکن و پوشاک رهایی یافته و به سمت مجاری ارتباطی سوق داده می‌شود و به مرور زمان احساس هویت جمعی و گروهی، احساس وجود تصویری مشترک از آینده و تصور مثبت به اجتماع در آنها شکل می‌گیرد که منابع و امکانات شهری برای هر شهروند می‌تواند این تصور مثبت و به همراه آن کیفیت زندگی مطلوب را به همراه آورد. لاینچ از نظریه‌پردازان حوزه‌ی شهری، معتقد است مهمترین مفهوم در فضای شهری، مفهوم خوانایی است، یعنی بتوان به آسانی اجزای شهری را شناخت و آنها را در ذهن در قالبی به هم پیوسته به یکدیگر ارتباط داد. در واقع لاینچ شکل شهر را مانند متنی فرض می‌کند که بتوان آن را خواند یا خوانایی را به آن برگرداند. این "خوانایی" باید به شهرنشینان کمک کند تا خود را در فضا، بازیافته و در آن احساس ایمنی کرده و بتوانند کالبد خود را در آن هدایت کنند. از نظر لاینچ فضای شهری باید تصویری را به ناظر ارائه کند که ناظر در آن احساس امنیت و لذت نماید و باعث به وجود آمدن رابطه‌ی موزون بین خود شخص و جهان خارج شود و حتی اگر شهر دارای تصاویری پیچیده باشد، باید لذت‌بخش باشد و این زمانی اتفاق می‌افتد که شهروندان احساس کنند از کیفیت زندگی مطلوبی برخوردار هستند و کل کیفیت زندگی مطلوب، همان رضایت شهروندان از سلامت جسمانی (فیزیکی)، سلامت روانی، رابطه اجتماعی و محیط است که مبلمان شهری با تنظیم جریان چهار اصل مهم زندگی در شهر یعنی حرکت، سکون، تفریح و اضطراب، می‌تواند ارتقابخش کیفیت زندگی شهروندان گردد. ما در این تحقیق برای بررسی رابطه‌ی بین کیفیت زندگی و مبلمان به بررسی و سنجش ابعاد این دو مقوله پرداختیم و با توجه به اطلاعاتی که از پرسش‌نامه‌های استخراج شد، سه نوع کیفیت زندگی مشخص گردید که ۱۱ درصد افراد جامعه‌ی آماری دارای کیفیت زندگی مطلوب، ۵۹ درصد دارای کیفیت زندگی متوسط و ۳۰ درصد دارای کیفیت زندگی پایین بودند که افراد با کیفیت زندگی متوسط بیشترین امتیاز به خود اختصاص داده‌اند. در ادامه برای بررسی میزان تأثیر متغیر مستقل مبلمان

شهری بر متغیر وابسته‌ی کیفیت زندگی از ضریب همبستگی پیرسون استفاده نمودیم؛ ضریب همبستگی حدود ۳. با سطح معناداری را نشان می‌دهد که، بین میزان دسترسی مبلمان شهری و ابعاد کیفیت زندگی یعنی سلامت جسمانی، سلامت روانی، ارتقای ارتباط اجتماعی و رضایت از محیط کالبدی شهر رابطه‌ی مستقیم و معناداری وجود دارد و به طور کل هرچه میزان دسترسی به مبلمان شهری افزایش یابد، کیفیت زندگی افراد نیز افزایش می‌یابد.

#### منابع:

- پارسی، حمیدرضا. (۱۳۸۱). شناخت محتوای فضای شهری، مجله‌ی هنرهای زیبا، شماره‌ی ۱۱، ص ۲۸-۱۴.
- پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۷۶). طراحی شهری چیست؟ مجله‌ی آبادی، ویژه‌ی طراحی شهری، سال هفتم، شماره‌ی ۲۵، صص ۳۶-۳۰.
- توسلی، غلامعباس. (۱۳۷۹). نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: سمت.
- توسلی، محمود. (۱۳۷۶). طراحی فضاها‌ی شهری، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- حاج یوسفی، علی. (۱۳۸۵). کیفیت زندگی و راهبردهای اصلاحی، نشریه‌ی دهاتی، شماره‌ی ۲۸، ۲۸-۱.
- حبیبی، سید محسن. (۱۳۸۲). از شار تا شهر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- حریرچی، امیر محمود و همکاران. (۱۳۸۸). چگونگی وضعیت کیفیت زندگی شهروندان شهر جدید پردیس، فصلنامه‌ی پژوهش اجتماعی، سال دوم، شماره‌ی چهارم، صص ۱۱۰-۹۰.
- حمیدی و دیگران. (۱۳۷۶). استخوان‌بندی شهر تهران، معاونت فنی و عمرانی شهرداری تهران.
- شوای، فرانسوا. (۱۳۷۵). شهرسازی از تخیل تا واقعیت، سید محسن حبیبی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- فکوهی، ناصر. (۱۳۸۳). انسان‌شناسی شهری، تهران: نشر نی.
- کوبکی، افشین و همکاران. (۱۳۸۴). برنامه‌ریزی کیفیت زندگی شهری در مراکز شهری، تعاریف و شاخص‌ها، فصلنامه‌ی جستارهای شهرسازی، شماره‌ی ۱۲، صص ۴۸-۳۶.
- گروتز، یورگ. (۱۳۷۵). زیباشناختی در معماری، جهان‌شاه پاکزاد و عبدالرضا همایون، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- غفاری، غلامرضا، امید، رضا. (۱۳۸۸). کیفیت زندگی، شاخص توسعه‌ی اجتماعی، تهران: شیرازه.
- لطفی، صدیقه. (۱۳۸۸). مفهوم کیفیت زندگی شهری، تعاریف، ابعاد و سنجش آن در برنامه‌ریزی شهری، فصلنامه‌ی علمی - پژوهشی جغرافیای انسانی، سال اول، شماره‌ی چهارم، صص ۸۰-۶۶.
- لینچ، کوین. (۱۳۵۵). سیمای شهر، منوچهر مزینی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مدنی پور، علی. (۱۳۷۹). طراحی فضای شهری، نگرشی بر فرآیند اجتماعی و مکانی، فرهاد مرتضایی، تهران: انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- نوربرگ شولتز، کریستیان. (۱۳۵۳). هستی، فضا و معماری، مهندس حسن حافظی، تهران: انتشارات تهران.
- نوغانی، محسن و همکاران. (۱۳۸۷). کیفیت زندگی شهروندان و رابطه‌ی آن با سرمایه‌ی اجتماعی در شهر مشهد، مجله‌ی علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال پنجم، صص ۱۴۰-۱۱۱.
- Bergner, M (1989) Quality of life, health status and clinical research, Medical care, V: 2, N: 4, 10-36.
- Calman, k.c. (1984) Quality of life, Journal of Medical Ethics. N: 3, v: 4, 3-36.
- Massam. B.H. (2002) Quality of life : public planning and private living. progress in planning. V: 58. N: 10, 141-227.
- Megone.c (1990) The Quality of life, perspective and policies. V: 2, N: 3, 28-41.
- Pacione, M (1982) The use of objective and subjective measures of quality of life in human geography. prog. Hum. Geogr. V: 6, N:4, 495-514.
- Phillips, David (2006) Quality of life: concept, policy and practice, V: 4, N: 2, 85- 103.

